



واکاوی رهاوردهای غائی مناظرات رضوی

و کاربست آنها در عصر حاضر

دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱۹ پذیرش: ۱۳۹۷/۸/۱۵

اصغر طهماسبی بلداجی^۱، سید ابراهیم مرتضوی^۲

چکیده

مناظرات امام رضا (علیه السلام) با گروه‌های مختلف در موضوعات گوناگون، گنجینه‌ای از معارف رضوی است که از عالم آل محمد (صلی الله علیه و آله) به یادگار مانده است. در این مناظرات، مباحث مختلف از معارف دین اسلام بیان گردیده که پاسخ به شبهات و سؤالات و روشن‌گری در مسائل دینی از مباحث مهم مورد بحث در این گفتمان‌ها بوده است. توجه به اهداف امام (علیه السلام) از این مناظرات و نتایج این گفتگوها حایز اهمیت است زیرا علاوه بر تبیین و تشریح معارف رضوی، چیدمان مناظره مطلوب و خدایسنده در هر عصری را نیز ترسیم می‌نماید. بر همین اساس، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکردی غایت‌شناسانه، مناظرات رضوی را بررسی و در ابعاد دینی، اجتماعی و سیاسی به رهاوردها و نتایج این مناظرات اشاره کرده است. نتیجه آنکه، امام (علیه السلام) در این مناظرات اهدافی را دنبال می‌کردند که مهم‌ترین آنها عبارتند از: هدایت افراد مناظره‌کننده، تبیین معارف دین، شبهه‌زدایی از معارف دین، تبیین جایگاه و مقام اهل بیت (علیهم السلام) و فرهنگ‌سازی مناظره مطلوب در جامعه. کاربست این اهداف و رهاوردها در عصر حاضر دو نتیجه مهم به دنبال خواهد داشت: نخست، به ترویج و تبلیغ معارف دین و پاسخگویی به شبهات در قالب مناظره کمک می‌کند. دوم، توجه به این اهداف و رویکردها و به‌کارگیری آنها، فرهنگ‌سازی مناظره مطلوب و نتیجه‌بخش در سطوح مختلف جامعه از ابعاد دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.

کلیدواژه‌ها: امام رضا (علیه السلام)، مناظرات رضوی، رهاوردهای غایی، کاربست مناظرات، تبیین معارف دین.

۱. دانش‌آموخته دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک (نویسنده مسئول): tahmasebiasghar@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک: si.mortazavi@yahoo.com

۱. مقدمه

یکی از ابزارهای تبادل دیدگاه و بررسی آراء و نظریات در عرصه‌های مختلف مناظره است که از آن در جهت اثبات یا رد دیدگاه و نظریه، یا تحلیل و بررسی بهتر استفاده می‌شود. تبارشناسی مناظره در اسلام به زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌رسد. پیامبر صلی الله علیه و آله با گروه‌های مختلف، از جمله مشرکان و اهل کتاب مناظراتی داشته‌اند. مناظره با مسیحیان نجران و سپس شکل‌گیری واقعه مباهله، یکی از برجسته‌ترین این گفتمان‌ها در عصر نبوی است (ر.ک: قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۱: ۵۰۹). در زمان سایر ائمه علیهم السلام نیز مناظره و گفتگو به عنوان یکی از ابزارهای تبلیغ و ترویج معارف دین و اثبات حقانیت مکتب اهل بیت علیهم السلام وجود داشته است. سبک‌شناسی محتوایی مناظرات ائمه علیهم السلام یک اصل مهم و مشترک را در میان تمامی این مناظرات مشهود می‌سازد و آن، اصل هدایتی است که اهل بیت علیهم السلام در تمامی مناظرات می‌کوشیدند تا با استناد و استدلال‌های متقن و مورد پذیرش قطعی، طرف مقابل مناظره را راهنمایی و هدایت کنند. مناظرات امام رضا علیه السلام به عنوان نقطه عطف مناظرات اهل بیت علیهم السلام، در گستره بیشتر و رویکردهای متفاوت، مبتنی بر اهداف و غایاتی بوده که تأثیرهای آن در عصر امام علیه السلام و پس از ایشان مشهود است. تحلیل، بررسی و الگوگیری از اهداف غائی امام علیه السلام در مناظرات و به کارگیری آن در عصر حاضر و همچنین در مباحث علمی و دینی حایز اهمیت است. در این مقاله با توجه به اهمیت این مطلب، رهاوردها و اهداف غائی امام علیه السلام از مناظرات تحلیل و بررسی و با آگاهی عصری، کاربرد این اهداف در عصر حاضر بیان شده است.

۲. پیشینه پژوهش

درباره مناظرات رضوی، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. برخی از این پژوهش‌ها با نگاه تحلیلی-علمی، مناظرات را بررسی کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸). برخی دیگر شاخصه‌های اخلاقی مناظرات رضوی را واکاوی و به ویژگی‌های اخلاقی مناظره مطلوب اشاره کرده‌اند (نک: روحی برندق، ۱۳۹۶؛ رضازاده کهنگی و فارسی‌نژاد، ۱۳۹۴؛ غفاری

و باغبان زاده، ۱۳۹۶). برخی از پژوهش‌ها با مطالعه موردی برخی از مناظرات، به فحص و بررسی استدلال‌های کلامی امام (علیه السلام) پرداخته‌اند (نک: فرامرزی و خلیلی، ۱۳۹۶؛ میراحمدی و رضائی پناه، ۱۳۹۵) چنان‌که برخی دیگر به سبک‌شناسی و بررسی محتوایی این مناظرات پرداخته و از زوایای گوناگون، مناظرات رضوی را بررسی کرده‌اند (خزعلی و انصاری‌نیا، ۱۳۹۶؛ دهقان سرخ‌آبادی و کرامتی، ۱۳۹۶؛ شمسی و جوارشکیان، ۱۳۹۵؛ مصلائی‌پور و سلیمی، ۱۳۹۲؛ مجیدی، ۱۳۹۲).

هرچند پژوهش‌های ارزشمندی در این باره نگاشته شده است، پژوهشی مستقل درباره رهاوردها و نتایج مناظرات رضوی نوشته نشده است. اینکه مناظرات رضوی اولاً بر اساس چه اهدافی دنبال شده و نتایج این اهداف چه بوده است؟

مقاله حاضر، با دو رویکرد متمایز نسبت به آثار مزبور نگاشته شده است. نخست، رهاوردهای غائی مناظرات رضوی را در ابعاد دینی، اجتماعی و سیاسی تحلیل و بررسی کرده و به رهاوردهای مهم آن اشاره می‌کند. دوم، با نگاهی عصری، جایگاه این مناظرات را در عصر حاضر و کاربرد آنها را در ابعاد پیش گفته بیان می‌کند.

۳. ادبیات نظری پژوهش

هدف و غایت یکی از برنامه‌های مهم زندگی انسان است. در آموزه‌های دینی، غایت‌شناسی و هدف، در معارف و احکام دین مورد توجه قرار گرفته است. هدف و غایت از آفرینش انسان، بندگی خداوند (ذاریات/۵۶)، هدف و غایت نزول قرآن، هدایت انسان‌ها (حدید/۹؛ مائده/۱۶؛ ابراهیم/۱)، غایت اقامه نماز، یاد خداوند و دوری از امور منکر (طه/۱۴؛ عنکبوت/۴۵)، غایت روزه، تقوا و بندگی خداوند بیان شده است (بقره/۱۸۳) و موارد فراوان دیگر که در آن، فلسفه و غایت مباحث دینی بیان شده است.

در سیره گفتاری و رفتاری معصومین (علیهم السلام) نیز غایت‌شناسی و هدف بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. امام علی (علیه السلام) درباره هدف زندگی انسان می‌فرماید: «خداوند رحمت کند

کسی را که بداند از کجا آمده و در کجا قرار دارد و به کجا می‌رود.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۴۷). یا در ادعیه حضرت زهرا (س) آمده است: «اللَّهُمَّ فَرِّغْنِي لِمَا خَلَقْتَنِي لَهُ» (خداوندا، زندگی مرا در راهی قرار بده که مرا به خاطر آن آفریدی) (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۱۴۱). تمام این موارد به هدف و غایت خلقت و زندگی اشاره دارند.

غایت‌شناسی و واکاوی اهداف، در هر امری می‌تواند به موفقیت و رسیدن به نتایج مطلوب کمک کند. مناظرات امام رضا (علیه السلام) نیز از این اصل مستثنا نیست و بر اهداف و غایاتی مبتنی است. امام (علیه السلام) در این مناظرات، اهداف و رویکردهای غایی را دنبال می‌کردند. این مسئله با بررسی سبک بیانی و محتوایی مناظرات، مشهود است. تبیین و بررسی اهداف و غایات مناظرات رضوی و کاربست آنها در عصر حاضر می‌تواند به‌طور قابل توجهی به نشر معارف دینی در قالب مناظرات از یک‌سو و تبیین و تنظیم مناظره مطلوب در عرصه‌های مختلف دینی، سیاسی و اجتماعی از سوی دیگر کمک کند. بنابراین، پژوهش حاضر با رویکرد غایت‌شناسی این مناظرات تنظیم شده است.

۴. مفهوم‌شناسی مناظره

واژه مناظره از ریشه «نظر» و مصدر باب مفاعله است. راغب اصفهانی در معنای آن می‌نویسد: «الْمُنَظَرَةُ: الْمُبَاحَثَةُ وَ الْمُبَارَاةُ فِي النَّظَرِ، وَ اسْتِحْضَارُ كُلِّ مَا يَرَاهُ بِبَصِيرَتِهِ» (مناظره به معنای مباحثه، و رقابت و ایستادگی در اندیشه و فراخوانی تمامی چیزهایی است که آن را با بصیرتش درک می‌کند) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۸۱۴) این واژه در لغت‌نامه دهخدا در معانی جدال، مباحثه، سؤال و جواب و باهم نظر دادن آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۱۵).

ابن سینا در معنای اصطلاحی مناظره می‌نویسد: «مناظره از ریشه نظر و اعتبار گرفته شده است و غرض از آن، بحث درباره دو دیدگاه متقابل است. هر يك از مناظره‌کنندگان، تأیید یکی از دیدگاه‌ها را برای ایجاد علم در طرف دیگر برعهده دارد. از این‌رو، مناظره به

بحث آموزش مربوط است زیرا هدف از مناظره، حصول علم است (ابن سینا، ۱۴۰۴ق: ۲۲).

آنچه درباره مفهوم مناظره می توان گفت این است که در این روش بین دو طرف، نظرات و آراء درباره یک موضوع یا موضوعات مختلف رد و بدل می شود که در نهایت به اثبات یا رد یک دیدگاه و نظر می -انجامد. آنچه در سبک شناسی مناظرات امام رضا (علیه السلام) مشهود است، همین معنای مناظره مورد نظر است که در آن دیدگاه های مختلف مطرح و در نهایت، به اثبات یا رد عقیده یا دیدگاهی منجر می شده است.

۵. رهاوردهای مناظرات رضوی

مناظرات رضوی چه در عصر امام رضا (علیه السلام) و چه پس از ایشان، آثار مهمی در برداشت و نتایج آن در حیطه های مختلف مشهود است. در ادامه، رهاوردهای مناظرات رضوی در ابعاد گوناگون بیان و با نگاهی عصری، کاربرد این اهداف و نتایج در عصر حاضر بررسی می شود.

۱-۵ رهاوردهای دینی

مهم ترین آثار و نتایج مناظرات رضوی، در تبلیغ و ترویج معارف دین است. از اصلی ترین اهداف امام (علیه السلام) از مناظرات با گروه های مختلف، تبیین صحیح معارف ثقلین و جذب حداکثری به دین اسلام بوده است. در ادامه، به برخی از مهم ترین این موارد اشاره می شود:

۱-۱-۵ رویکرد هدایتی

از اهداف غائی مهم مناظرات امام رضا (علیه السلام)، هدایت و راهنمایی مردم - با هر مذهب و

مسلمی - به راه سعادت و کمال بوده است. امام (علیه السلام) در طول عمر شریف خود، از مناظره برای تحقق این مهم بهره برده است. این روش امام (علیه السلام) مبتنی بر قرآن و سنت بوده است. زیرا هدایت انسان از مهم‌ترین فلسفه‌های نزول قرآن و نیز هدف بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) است. قرآن کریم خود را هدایت و رحمت برای مسلمانان معرفی می‌کند: «قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُبَيِّنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُسْلِمِينَ» (نحل/۱۰۲) و هدف از نزول آن را بر پیامبر (صلی الله علیه و آله)، هدایت انسان‌ها و خروج آنان از تاریکی‌های جهل و نادانی به سوی روشنایی و سعادت و کمال بیان می‌کند: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (مائده/۱۶).

سیره پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله) نیز بر همین اصل مبتنی بود. ایشان تا آنجا برای هدایت و راهنمایی مردم تلاش می‌کردند که به فرموده قرآن، نزدیک بود جان به جان آفرین تسلیم کنند: «لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (شعراء/۳). سیره علمی و عملی اهل بیت (علیهم السلام) نیز بر همین اصل استوار بوده است. آنان تلاش و کوشش می‌کردند تا مردم را به راه مستقیم الهی هدایت کنند. هدف اهل بیت (علیهم السلام) تنها هدایت پیروان خود نبود، بلکه دغدغه آنان، هدایت و راهنمایی تمامی انسان‌ها با هر مسلک و مذهبی بوده است.

عالم آل محمد (صلی الله علیه و آله) نیز در مناظرات خویش این هدف و غایت را دنبال می‌کردند. هر چند این مناظرات به اجبار مأمون انجام می‌گرفت و هدف وی تخریب شخصیت امام (علیه السلام) بود، امام (علیه السلام) این فرصت را غنیمت شمردند و از آن برای هدایت و راهنمایی کسانی که قابلیت هدایت شدن داشتند، بهره بردند. امام (علیه السلام) در مناظره با جاثلیق که معتقد به اولوهِیت حضرت عیسی (علیه السلام) بود، تلاش کردند تا او و پیروانش را از این اعتقاد شرک‌آمیز نجات دهند و گوشه‌ای از توحید را به آنان بیاموزند. جاثلیق بر این باور بود که حضرت عیسی (علیه السلام) مردگان را زنده می‌کند و بیماران را علاج را شفا می‌بخشد. از این رو، ایشان را سزاوار پرستیدن می‌دانست. امام رضا (علیه السلام) با اشاره به معجزات پیامبران پیشین، وی را بر این حقیقت رهنمون می‌سازد که این مطلب اختصاصی به حضرت عیسی (علیه السلام) نداشته است بلکه دیگر انبیا نیز معجزاتی شبیه به ایشان داشته‌اند و اگر با انجام معجزه، عبودیت

و پرستش حاصل می شود باید دیگر انبیا را نیز که همین گونه بوده اند، پرستش نمود. امام رضا (علیه السلام) برای نمونه به حضرت یسع (علیه السلام) که معجزاتی همانند حضرت عیسی (علیه السلام) داشت، اشاره می کند و می فرماید: «فَإِنَّ الْيَسَعَ قَدْ صَنَعَ مِثْلَ مَا صَنَعَ عِيسَى عَ مَشَى عَلَى الْمَاءِ وَأَخْيَا الْمَوْتَى وَأَبْرَأَ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ فَلَمْ تَخْذَهُ أُمَّتُهُ رَبًّا وَلَمْ يَعْبُدْهُ أَحَدٌ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۵۹). غایت این مناظره و استدلال های امام (علیه السلام) برای جاثلیق، هدایت و راهنمایی وی به راه حقیقت می شود و جاثلیق زبان به اعتراف می گشاید و می گوید: «الْقَوْلُ قَوْلُكَ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (همان: ۱۶۱). سخن، سخن شماسست (یعنی سخن شما حق و حقیقت است) و معبودی جز خداوند نیست.

امام رضا (علیه السلام) در مناظره با رأس الجالوت که نبوت دیگر انبیا غیر از حضرت موسی (علیه السلام) را قبول نداشت، نبوت دیگر انبیا را با ادله نقلی و عقلی برای وی اثبات می کند تا جایی که هیچ شک و شبهه ای برای او باقی نمی ماند و وی خطاب به امام رضا (علیه السلام) می گوید: «وَاللَّهِ يَا ابْنَ مُحَمَّدٍ لَوْ لَا الرَّئِاسَةُ الَّتِي حَصَلَتْ لِي عَلَى جَمِيعِ الْيَهُودِ لَأَمْنْتُ بِأَحْمَدَ وَ أَتَبَعْتُ أَمْرَكَ.» (ای فرزند محمد (صلی الله علیه و آله) به خداوند سوگند اگر ریاستی که اکنون در میان یهود دارم نبود، به احمد ایمان می آوردم و از فرمان تو اطاعت می کردم) (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۴۹: ۷۷).

این مطلب به خوبی نشان می دهد که هدف امام رضا (علیه السلام) - که هدایت و راهنمایی مردم به راه هدایت الهی بوده - محقق شده است. در مناظره با عمران صابی نیز همین اصل حکم فرماست. عمران صابی خطاب به امام رضا (علیه السلام) می گوید: «به خدا سوگند! من چیزی جز این نمی خواهم که اگر واقعیت را برای من اثبات نمایی تا به دامش چنگ زنم، از آن صرف نظر نخواهم کرد.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۷۱). از این رو، امام (علیه السلام) به تمام سؤال های ایشان با استدلال پاسخ می دهند و او را به راه هدایت و سعادت راهنمایی می - کنند تا آنجا که این هدف غائی درباره عمران صابی نیز محقق می شود و پس از اتمام مناظره، وی خطاب به امام می گوید: «يَا سَيِّدِي قَدْ فَهَمْتُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى عَلَى مَا وَصَفْتَ وَ وَحَدَّثَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا ص عَبْدُهُ الْمُبْعُوثُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ ثُمَّ خَرَّ سَاجِدًا تَحَوُّ الْقِبْلَةِ وَ أَسْلَمَ» (همان گونه است که شما وصف نمودید و وحدانیتش را اثبات

کردید. گواهی می‌دهم که محمد ﷺ بنده اوست که به هدایت و دین حق فرستاده شد. سپس رو به قبله به سجده افتاد و مسلمان شد (همان: ۱۷۷).

بنابراین، از مهم‌ترین رهاوردهای مناظرات امام رضا (علیه السلام)، هدایت انسان‌ها به استوارترین آیین بوده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ...» (اسراء/ ۹). این رهاورد باید در تمامی مناظرات به‌ویژه مناظرات دینی و عقیدتی به‌عنوان اصل و مبنا قرار بگیرد. در عصر حاضر نیز مناظره و مباحثه با هر قشر و گروهی، اگر این رهاورد را داشته باشد، ارزشمند خواهد بود. با دقت در مناظرات امام (علیه السلام)، برای نیل به این رهاورد و رهاوردهای دیگر، چند اصل باید مد نظر قرار گیرد:

۱. نخستین اصلی که در مناظرات به‌خوبی مشهود است، استناد و استدلال به منابع و مطالبی است که مورد قبول طرف مناظره است. امام (علیه السلام) در آغاز مناظره، خطاب به نوفلی می‌فرماید: «أَتُحِبُّ أَنْ تَعْلَمَ مَتَى يَنْدُمُ الْمُأْمُونُ ... إِذَا سَمِعَ اخْتِجَاجِي عَلَى أَهْلِ التَّوْرَةِ بِتَوْرَاتِهِمْ وَ عَلَى أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِإِنْجِيلِهِمْ وَ عَلَى أَهْلِ الزَّبُورِ بِزُبُورِهِمْ وَ عَلَى الصَّابِئِينَ بِعِبْرَانِيَّتِهِمْ وَ عَلَى الْهَرَابِذَةِ بِفَارِسِيَّتِهِمْ وَ عَلَى أَهْلِ الرُّومِ بِرُومِيَّتِهِمْ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْمَقَالَاتِ بِلُغَاتِهِمْ...» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۴۱۹) و پیش از مناظره با جاثلیق، خطاب به وی می‌فرماید: «يَا نَضْرَانِي فَإِنْ اخْتَجَجْتُ عَلَيْكَ بِإِنْجِيلِكَ أَ تَقْرُءُ بِهِ؟» (همان: ۴۲۰).

استناد و استدلال به منابع و مطالب مورد قبول خصم، زمینه‌گرایش آنان را به راه حق بهتر فراهم می‌کند زیرا نفس آدمی به‌گونه‌ای است که وقتی یک عمر با چیزی - معنوی یا مادی - انس داشته باشد، به‌سختی می‌تواند از آن دل بکند. بحث عقیده و مذهب نیز از این اصل مستثنا نیست. دلبستگی و انس به مذهب یا عقیده‌ای خاص، به‌تدریج زمینه را فراهم می‌کند تا صاحب آن عقیده، گزاره‌های موجود در مصادر آن مذهب را که مذهب و عقیده‌ای دیگری را اثبات می‌کند - عمدی یا سهوی - فراموش کند و به دیده غفلت به آن بنگرد یا منکر آن شود. استناد به همین گزاره‌های دال بر حقانیت مذهب و عقیده دیگر و بیدار کردن فطرت خداجوی پاک گرفتار نسیان، زمینه مناسبی را برای هدایت فراهم می‌کند. امام (علیه السلام) از این اصل در مناظرات خود به‌خوبی بهره برده است.

بهره‌گیری از این اصل در مناظرات در هر زمانی شایسته و بایسته است، تا هدفی که از مناظره دنبال می‌شود، حاصل آید. استناد به اعتقادهایی که تنها مورد قبول شخص مناظره‌کننده است، هیچ‌گونه پیوند و علقه‌ای را میان طرفین مناظره ایجاد نمی‌کند و هیچ هدفی از مناظره حاصل نمی‌شود.

۲. اصل دیگری که در مناظره برای نیل به رهاورد دینی - هدایتی باید مدنظر قرار گیرد، دانش و آگاهی از منابع و اعتقادات طرف مقابل مناظره و عدم استناد یا عدم استناد صرف به منابع خودی است. امام (علیه السلام) با دانش بی‌کران خود، و با علم به عهدین، در جهت تصحیح اعتقادات صاحبان این مذاهب، به‌خوبی عمل کرده است، چنان‌که خود فرموده است: «هرچه می‌خواهی پیرس و جوابش را بشنو!» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۴۲۰). برای تحقق مسئله هدایت، در مناظره باید آگاهی وسیعی از منابع و اعتقادات طرف مناظره داشت و به شکل مستند از آنها بهره برد تا پذیرش امر هدایت برای طرف مناظره با طیب نفس و بدون هیچ تردید خاطری صورت گیرد.

۲-۱-۵ رویکرد تبیینی

یکی دیگر از رهاوردهای مناظرات امام رضا (علیه السلام)، تبیین و ترویج معارف دینی بود. امام رضا (علیه السلام) در مناظرات خود بسیاری از معارف دین را برای مردم تبیین کردند و این مناظرات بستری برای ترویج معارف قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) گردید.

مسئولیت تبیین معارف دینی از رسالت‌های مهم پیامبر ﷺ بوده است: «...وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/۴۴). این مسئولیت و رسالت، پس از ایشان به اهل بیت (علیهم السلام) که جانشینان پیامبر ﷺ بوده‌اند، واگذار شده است. بنابراین امام رضا (علیه السلام) نیز تمام تلاش خود را به کار گرفتند تا معارف قرآن و سنت پیامبر ﷺ و اهل بیت (علیهم السلام) برای مردم بیان شود. امام رضا (علیه السلام) در این مناظرات که در سطح وسیعی برگزار می‌شد، توانستند معارف دین را در عرصه‌های مختلف بیان کنند. این معارف به‌طور گسترده در میان مردم نقل و منتشر شد. در مناظره با عمران صابی،

در حیطه خدانشناسی تبیین و تبلیغ گردید و معرفی خداوند و صفات او برای مردم به‌طور صحیح، مستند به قرآن و سنت بیان شد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۷۱-۱۷۸).

در مناظره با علمای ادیان مختلف، ضمن اثبات حقانیت تمامی انبیا و پیامبران (علیهم‌السلام) حقانیت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم‌وعلیهم‌السلام) و اهل بیت (علیهم‌السلام) با اشاره به اصل کتاب‌های آسمانی پیشین بیان شد. (همان: ۱۵۹-۱۶۴).

در مناظره با سلیمان مروزی، امام مسئله بدا و صفات خداوند از جمله اراده الهی را تبیین و تشریح می‌کنند. به‌عنوان نمونه، امام (علیه‌السلام) با اشاره به آیات «وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (روم/۲۷)؛ «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره/۱۱۷)؛ «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ» (فاطر/۱۱) و همچنین سخنان دیگر معصومین (علیهم‌السلام) مسئله بدا را تبیین می‌کند. (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۷۹-۱۷۸)

در مناظره با محمدبن جهم، مطالب قرآن و سنت را درباره عصمت انبیا بیان می‌کند. به‌عنوان نمونه، درباره عصمت حضرت آدم (علیه‌السلام) در روی زمین و حجت و خلیفه‌بودن ایشان، با اشاره به آیه «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» (آل عمران/۳۳) می‌فرماید: «این گزینش، خود، دلیل بر معصوم بودن این رهبران است زیرا گزینش برای رهبری بدون عصمت، موجب نقض غرض است» (ابن بابویه، همان: ۱۹۳).

در عصر کنونی نیز رهاورد مناظرات امام رضا (علیه‌السلام) می‌تواند بستری مناسب برای ترویج و تبیین معارف ثقلین باشد. امام رضا (علیه‌السلام) در این باره اصل مهمی را فرا روی تمامی کسانی گمارده‌اند که هدف آنها تبیین و ترویج معارف دین است. امام (علیه‌السلام) می‌فرماید: «فَإِنَّ

۱. امام (علیه‌السلام) در این باره به حدیثی از امام صادق (علیه‌السلام) اشاره می‌کند که به درستی مسئله بدا را تبیین کرده است. امام صادق (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «خداوند دو گونه علم دارد: علمی که مخزون و پنهان است و جز ذات پاکش کسی از آن آگاهی ندارد و بداء از این ناحیه حاصل می‌شود و علمی که به فرشتگان و پیامبران تعلیم داده و علما و اهل بیت (علیهم‌السلام) پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم‌وعلیهم‌السلام) نیز از آن آگاهی دارند.»

النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا» (اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را می‌دانستند، از ما پیروی می‌کردند) (همان: ۳۰۷). همان‌گونه که مناظرات امام رضا (علیه السلام) وسیله‌ای بود تا برخی از انسان‌ها با مذهب و آئینی غیر از مکتب اهل بیت (علیهم السلام) با توجه به سخنان امام (علیه السلام) به آیین اسلام بگروند و از پیروان اهل بیت (علیهم السلام) شوند. مناظرات و مباحث در عصر حاضر نیز باید به گونه‌ای باشد که زیبایی‌های سخنان قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) برای مردم بیان شود تا علاوه بر ترویج و تبیین معارف دین، موجبات جذب مردم به فرهنگ اهل بیت (علیهم السلام) را فراهم کند.

۳-۱-۵ رویکرد شبهه‌زدایی

در فرایند مناظرات امام رضا (علیه السلام) با گروه‌های مختلف، شبهه‌هایی مطرح و پاسخ داده شد که مبتلا به جامعه آن روز بود. عصر ترجمه و ظهور و بروز مکاتب مختلف فلسفی، زمینه‌ای شده بود تا شبهه‌های مختلفی برای مسلمانان پدید آید. افزون بر اینکه حکومت وقت نیز توجهی به شبهه‌زدایی در جامعه نداشت. بنابراین، در این مناظرات زمینه‌ای فراهم شد تا علاوه بر پاسخگویی امام (علیه السلام) به سؤال‌ها و شبهه‌ها، فرایند شبهه‌زدایی دینی نیز در جامعه آن روز تقویت شود.

امام رضا (علیه السلام) در مناظرات مختلف، شبهه‌های مختلفی را پاسخ داد. در مناظره با جاثلیق که باور به الوهیت حضرت عیسی (علیه السلام) داشت، این شبهه مطرح می‌شود که چون حضرت عیسی (علیه السلام) قادر به زنده کردن مردگان و شفای بیماران بود، استحقاق پرستش و بندگی را دارد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۷۱). امام در پاسخ به ایشان و رفع شبهه، به نمونه‌های نقض اشاره می‌کنند که اگر این‌گونه باشد، دیگر انبیا نیز که معجزاتی خارق العاده داشتند، استحقاق پرستش دارند. ایشان در این باره به حضرت یسع (علیه السلام) و حضرت حزقیل (علیه السلام) اشاره می‌کنند که معجزاتی همانند معجزه حضرت عیسی (علیه السلام) داشتند (همان). بنابراین، با این استدلال و آوردن نمونه‌های نقض، این شبهه پاسخ داده می‌شود.

امام رضا (علیه السلام) در جای دیگر در پاسخ ورد شبهه الوهیت حضرت عیسی (علیه السلام)، استدلال دیگری را مطرح می‌کند آنجا که خطاب به جاثلیق می‌فرماید: «يَا نَصْرَانِي وَ اللَّهُ إِنَّا لَنُؤْمِنُ بِعِيسَى الَّذِي آمَنَ بِمُحَمَّدٍ ص وَ مَا تَقِمُ عَلَى عِيسَاكُمْ شَيْئًا إِلَّا ضَعْفُهُ وَ قِلَّةُ صِيَامِهِ وَ صَلَاتِهِ» (ما به حضرت عیسی که به حضرت محمد ایمان داشت، ایمان داریم و نسبت به عیسای شما ایرادی نداریم به جز ضعف و ناتوانی و کمی نماز و روزه اش) (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۵۹). جاثلیق در پاسخ به امام، منکر سخن ایشان می‌شود و می‌گوید: حضرت عیسی بسیار نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت. امام رضا (علیه السلام) در پاسخ نهایی به شبهه مورد نظر را به گونه‌ای می‌دهد که دیگر شک و تردیدی باقی نماند: «فَلَمَنْ كَانَ يَصُومُ وَ يُصَلِّي» (برای چه کسی روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند؟) (همان).

امام با این استدلال، این گونه شبهه را پاسخ می‌دهد که کسی استحقاق الوهیت را دارد که غنی مطلق باشد و نیاز نداشته باشد؛ اما حضرت عیسی (علیه السلام) برای خدا روزه می‌گرفت و نماز می‌خواند، که این مطلب حاکی از نیاز و احتیاج او به خداوند است. بنابراین، حضرت عیسی بنده و فرستاده خداوند بود.

امام در پاسخ به سؤالات و شبهات عمران صابی درباره نیازمندی خداوند به آفرینش موجودات، این گونه پاسخ می‌دهد: «ای عمران، بدان که اگر خداوند برای نیازی جهان را آفریده بود، باید قدرتی که داشت چندین برابر اینها را بیافریند چرا که هر قدر اعوان و یارانش بیشتر باشد بهتر است و لذا می‌گوییم آفرینش او برای رفع نیازی نبود.» (همان: ۱۶۹).

یا در مناظره با محمد بن جهم که با استناد به ظواهر برخی از آیات قرآن، عصمت انبیا را مورد مناقشه قرار داده بود، با تحلیل و تفسیر صحیح آیات، این شبهه را پاسخ می‌دهند. به عنوان نمونه، در ذیل آیه «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَ هَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ» (یوسف/ ۲۴)

که محمد بن جهم درباره عصمت حضرت یوسف (علیه السلام) مطرح کرده بود، این گونه پاسخ می دهد که زلیخا قصد کام گیری از یوسف را نمود و یوسف اراده قتل زلیخا را کرد، اما خداوند او را از قتل زلیخا و عمل خلاف عفت او دور ساخت همان گونه که می فرماید: «این گونه از یوسف بدی و زشتی را دور کردیم» (همان). یا در تفسیر آیه «وَ ذَالْنُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیاء/۸۷) در پیراستگی حضرت یونس (علیه السلام) از هرگونه خطا و گناه می فرماید: «ذَاكَ يُؤْنَسُ بْنُ مَتَّى عَ ذَهَبَ مُغَاضِبًا لِقَوْمِهِ فَظَنَّ بِمَعْنَى اسْتَيْقَنَ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ أَيْ لَنْ نُضَيِّقَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ وَ مِنْهُ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ أَوْ [أَيْ ضَيَّقَ وَ قَتَّرَ]» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۰۱). اما درباره یونس (علیه السلام) منظور از «لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» این نیست که گمان کرد خداوند بر او تنگ نمی گیرد. امام با اشاره به آیه دیگر قرآن (فجر/۱۶) معنای «لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» را تبیین می کند. بنابراین، در این مناظرات رهاورد پاسخگویی به شبهات و شبهه زدایی از جامعه کاملاً مشهود است.

در عصر حاضر نیز این رویکرد ها کاربرد بسیار مهمی دارد. عصر کنونی که می توان از آن به عصر شبهات یاد نمود، شبهات فراوانی در زمینه های مختلف دینی در رسانه های مختلف ماهواره ای و غیر ماهواره ای شبهه افکن بیان می شود. این رسانه ها با اهداف مختلفی مانند کم رنگ کردن روحیه دینی و ایمانی مردم به ویژه جوانان، ایجاد موج ارتداد خفّی یا آشکار در میان مسلمانان و شیعیان و سوق دادن آنان به فرق مذهبی نوپیان یا دین مسیحیت، که توسط مسیونر های مسیحی به شدت دنبال می شود، تنش زایی میان فرقه های مذهبی اسلام و به ویژه شبهه افکنی در زمینه مهدویت و... دین حق ملت

۱- در این باره دو گونه روایات وجود دارد: برخی از روایات این آیه را اینگونه تفسیر نموده اند که: او (زلیخا) به جانب یوسف گرایش پیدا کرد و در مقابل حضرت یوسف (علیه السلام) نیز به عدم انجام آن عمل زشت همت گمارد (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۰۱) در روایات دیگر معنای این عبارت به این صورت معنا شده که وقتی آن زن اقدام به آن عمل زشت نمود در مقابل حضرت یوسف (علیه السلام) نیز همت به قتل آن زن گمارد؛ به عبارتی تنها راه فرار از آن معصیت را قتل آن زن می دانست که خداوند او را از این کار منصرف نمود چرا که اگر این کار را انجام می داد دیگران بی گناهی و پاکدامنیش را نمی پذیرفتند (ابن بابویه، ۱۴۱۷ ق: ۹۶) تحلیل این دو روایت این گونه می شود که حضرت یوسف (علیه السلام) همت گمارد که آن کار قبیح را انجام ندهد و برای رهایی از آن گناه بزرگ، آن زن را به قتل برساند که خداوند وی را از انجام این کار نیز منصرف نمود که بی گناهی ایشان اثبات شود.

مسلمان را نشانه می‌روند. شبهه‌افکنی و انکار وجود مهدی موعود علیه السلام و مسخ چهره وی، دو شگرد موازی است که در جهت آرامش‌زدایی و فتنه‌گری مذهبی و دینی صورت گرفته است. در شگرد نخستین، روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام، سست و مجعول قلمداد شده و وجود ایشان امری موهوم و ساخته‌پندار شیعیان یا مسلمانان تلقی می‌گردد. در شگرد دوم ادعا می‌شود که موعود شیعیان در قالب میرزا علی محمد باب یا حسینعلی بها یا قادیانی، سال‌هاست که آمده و رفته است. بابت و بهائیت، از جمله فرقه‌هایی هستند که در قرن ۱۹ به‌وجود آمدند و رهبران آن، مدعیاتی چون نیابت خاصه امام عصر علیه السلام تا قائمیت و رسالت و خدایی را یدک می‌کشند (جمعی از نویسندگان، بی‌تا: ۶؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۴۱).

بنابراین، این مطلب اهمیت زیادی دارد که از مناظرات و مباحثات به‌عنوان وسیله‌ای استفاده کرد تا پاسخگویی به شبهات و روشن‌گری در میان مردم به‌ویژه جوانان را در پی داشته باشد. جوانان در میان سایر اقشار، بیشتر در معرض شبهه‌افکنی و گمراهی و آماج اهداف استکباری دشمنان هستند (ر.ک: کولمن، ۱۳۷۵: ۲۹-۲۴). بیشترین اهداف تأثیرهای شبکه‌های ماهواره‌ای به‌ترتیب در حوزه‌های روی آوردن جوانان به انواع موسیقی غربی، گرایش به مدگرایی افراطی، تضعیف باورهای دینی و بسترسازی از خودبیگانگی دینی و فرهنگی، الگوپذیری از نظام فرهنگی-اجتماعی و سبک زندگی غربی، دین‌گریزی و ترک نماز و سایر واجبات دینی، دوری از قرآن و دعا و نیایش، گرایش به آرایش‌های مبتذل، ترویج سکولاریسم و جدایی دین از سیاست، افزایش ناهنجاری‌های اخلاقی در خانواده، بی‌احترامی به والدین و ترویج فرهنگ برهنگی بیان شده است. (نک: بختیاری و فرخی، ۱۳۹۱: ۷۰).

بنابراین، از مهم‌ترین مواردی که دشمنان اسلام در پی ضربه‌زدن به آن هستند، تضعیف ارزش‌های اسلامی و تقویت ناهنجارهای فرهنگی و الگوپذیری از بیگانگان در بین جوانان و نوجوانان است، که در قالب‌های متفاوت می‌تواند نمایان شود. بر همین اساس است که امام صادق علیه السلام به مراقبت از این قشر بیشتر سفارش کرده‌اند. امام صادق علیه السلام درباره تربیت دینی و اعتقادی نوجوانان و جوانان و اهتمام به هویت و شخصیت آنان، می‌فرماید:

«نوجوانان را دریابید و به آنان حدیث و دین بیاموزید پیش از آنکه مر جئه (گروهی منحرف) بر شما پیشدستی کنند و جوانان را بر بایند.» (برقی، ۱۴۱۶ ق: ۵). تشکیل جلسات مناظره و گفتگو با جوانان در مدارس، دانشگاه‌ها و مساجد می‌تواند به شبهه‌زدایی، رشد شخصیت دینی و تقویت باورهای دینی در میان جوانان و سایر اقشار جامعه کمک شایانی کند.

۲-۵ رهاوردهای اجتماعی

علاوه بر نتایج مناظرات رضوی در بُعد دینی، در زمینه اجتماعی نیز تأثیرات مهمی از مناظرات در جامعه شکل گرفت که علاوه بر جامعه آن روز، در عصر حاضر نیز کاربرد اساسی دارند.

۱-۲-۵ تقویت اتحاد و یکپارچگی جامعه

یکی از اساسی‌ترین محورهای حفظ يك جامعه در راه کمال و سعادت، اتحاد و یکپارچگی و پرهیز از تفرقه و نفاق است. وحدت و دوری از تفرقه يك وظیفه و نعمت بزرگ الهی است. در جامعه‌ای که اختلاف و تفرقه در آن حاکم باشد، پیشرفت و سعادت و آرامش از آن جامعه رخت می‌بندد. بر همین اساس، وحدت و دوری از تفرقه از شاخصه‌های مهم فرهنگ اسلامی شناخته می‌شود. محور اتحاد در يك جامعه باید خداوند باشد چنان که می‌فرماید: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران/ ۱۰۳). مناظرات امام رضا (علیه السلام) با دیگر مذاهب به گونه‌ای بود که منجر به تحریک احساسات مذهبی نشود. ایشان همواره جانب اتحاد و یکپارچگی مسلمانان را در نظر داشتند (مجلسی، ۱۳۶۲ ش: ج ۸۱: ۱۹۵). در روایات معصومین (علیهم السلام) ایجاد وحدت هنگام پیدایش اختلاف، بهترین صدقه‌ای معرفی شده که خداوند آن را دوست دارد (کلینی، ۱۳۸۸ ق: ج ۲: ۲۰۹).

در جامعه‌ای که وحدت در آن نباشد آرامش فردی و اجتماعی رخت می‌بندد و اختلاف و از هم گسیختگی و عدم امنیت، شاخصه اصلی آن جامعه می‌شود. مناظرات امام رضا (علیه السلام) نمونه‌ای تام از مناظره مطلوب در جامعه بود که علاوه بر تبیین بسیاری از معارف دین و

پاسخگویی به شبهه‌ها و مناظره با گروه‌های مختلف از مذاهب گوناگون، به حفظ همدلی و اتحاد در جامعه کمک نمود.

در عصر حاضر نیز حفظ وحدت و یکپارچگی بسیار حایز اهمیت است. مناظراتی که طراحی می‌شوند، به‌ویژه در مباحث اختلافی بین مذاهب و ادیان باید به‌گونه‌ای باشند که موجب خدشه‌دار شدن اتحاد جامعه، و تحریک احساسات مذهبی نشوند چرا که یکی از اهداف دشمنان اسلام، تفرقه‌افکنی میان مذاهب و اقوام مختلف در جوامع اسلامی است. یکی از مهم‌ترین رویکردهای استعمار و استکبار در غلبه به کشورهای اسلامی ایجاد تفرقه میان مسلمانان و اقوام مختلف است؛ جمله معروف «تفرقه بینداز و حکومت کن» یا «تقسیم کن و غلبه کن» از محورهای کلیدی استکبار و استعمار در چند قرن اخیر بوده است. در مستندات و اذعانات جاسوسان کشورهای استعماری یکی از سیاست‌های مهم در کشورهای اسلامی تفرقه‌اندازی و تقویت فرقه‌ها بیان شده است (کولمن، ۱۳۷۵: ۲۹-۲۴). این تنش‌زایی میان فرقه‌های مسلمان، حکمرانی استکبار بر کشورهای اسلامی را تثبیت کرده و از گذرگاه این تفرقه، به منافع مادی و اقتصادی زیادی دست پیدا می‌کند. استکبار معمولاً برای ایجاد این تنش‌ها، افرادی مسّی به علمای شیعه و سنی را علّم می‌کند و از طریق آنان به مقصود خود دست می‌یابد.

بنابراین، از اهداف مهم استکبار جهانی، ایجاد تفرقه میان مسلمانان است. این تفرقه با ایجاد فرقه‌هایی چون وهابیت، بهائیت و داعش و حتی با ایجاد گروه‌هایی موسوم به شیعه انگلیسی، نمود عملی پیدا کرده است. تحریکات مذهبی و قومی و قبیله‌ای از مهم‌ترین ترفندهای استکبار برای تضعیف وحدت و همدلی مسلمانان بوده است. زمانی که میان مسلمانان تفرقه و نفاق ایجاد شود، مسلمانان به‌جای پرداختن به نبرد با دشمن اسلام، به تضعیف یکدیگر همت می‌گمارند که این مسئله علاوه بر تضعیف امت اسلامی، زمینه به‌ثمر رسیدن نقشه‌های استعمار و استکبار جهانی را نیز فراهم می‌کند. بنابراین در مناظرات، علاوه بر تبیین صحیح و بازگویی حق و حقیقت به‌صورت شایسته، اصل اتحاد و همدلی و دوری از تفرقه باید موردنظر مناظره‌کنندگان باشد.

۲-۲-۵ فرهنگ‌سازی مناظره و گفتگوی مطلوب در جامعه

در آموزه‌های دینی بر به‌کارگیری صحیح و سنجیده در هر امری توصیه شده است. این مهم، توسط معصومین (علیهم‌السلام) به طور جامع و کامل فرهنگ‌سازی شده است. به‌عنوان نمونه، در قرآن کریم خداوند مؤمنان را به «انفاق» دستور می‌دهد اما چگونگی و کیفیت آن را نیز بیان می‌دارد. به عبارتی، کیفیت انفاق را فرهنگ‌سازی می‌کند. اینکه انفاق از بهترین چیزها باشد (آل عمران/ ۹۲)؛ ابتدا از خویشاوندان شروع شود (بقره/ ۱۷۷)؛ در انفاق، افراط و تفریط نباشد بلکه جانب اعتدال رعایت شود (فرقان/ ۶۷)؛ انفاق خالصانه و بدون منت و اذیت کردن باشد (بقره/ ۲۶۴) و موارد دیگر. معصومین (علیهم‌السلام) نیز تمام معارف دین را در جامعه نهادینه‌سازی می‌کردند تا فرهنگ دینی در جامعه حکمفرما شود. مناظرات امام رضا (علیه‌السلام) نمونه‌ای تام از کاربرست مناظره مطلوب و سنجیده است که امام (علیه‌السلام) آن را فراروی تمام کسانی نهاد که هدفشان از مناظره، رسیدن به نتایج مطلوب است. در عصر کنونی که وجود مناظره و گفتگو در همه زمینه‌های دینی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حایز اهمیت است و می‌تواند به پیشرفت در این زمینه‌ها کمک کنند. الگوگیری از مناظرات رضوی و فرهنگ‌سازی آن در جامعه مهم است. چیدمان مناظرات رضوی و فرهنگ‌سازی آن در جامعه را می‌توان در دو بُعد علمی و اخلاقی خلاصه کرد که هر دو بُعد دارای اهمیت والایی هستند.

۱-۲-۲-۵ بُعد علمی مناظره مطلوب

یکی از اصول مهم که در هر مناظره باید مورد توجه قرار گیرد، توجه به استدلال‌های نقلی و عقلی معتبر و به عبارت دیگر، علمی بودن مناظره است. علمی بودن مناظره به معنای استناد و استدلال به ادله معتبر و دوری از ظن و گمان است. در قرآن کریم، به دوری از ظن و پابندی به علم و یقین توجه شده است: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا» (اسراء/ ۳۶). قرآن کریم در موارد متعدد، پیروی از ظن و گمان را به شدت نهی می‌کند و انحراف کافران و مشرکان را ناشی از ظن و گمان ناصحیح آنان معرفی می‌کند (نک: نساء/ ۱۵۷؛ انعام/ ۱۱۶؛ انعام/ ۱۴۸؛ نجم/ ۲۸).

امام رضا (علیه السلام) نیز در تمامی مناظرات خود با گروه‌های مختلف به ادله معتبر نقلی و عقلی اشاره می‌کند به گونه‌ای که طرف مقابل مناظره، آن مطلب را با طیب خاطر می‌پذیرد. استنادها و استدلال‌های امام با گروه‌های طرف مناظره به صورتی بود که روش ایشان در صورت و محتوای استدلال‌ها و استنادها به طور اتم و اکمل بود به گونه‌ای که ضعفی در این استنادها و استدلال‌ها مشاهده نمی‌شود. در استناد به مباحث عقلی مواردی را بیان می‌کند که مورد پذیرش همگان است و در موارد نقلی نیز به مواردی استناد می‌جوید که از قطعیات طرف مقابل مناظره است. البته این بدان معنا نیست که استدلال‌های امام رضا (علیه السلام) و دیگر معصومان (علیهم السلام) همیشه طرف مقابل مناظره را اقناع کند چه اینکه در برخی موارد طرف مقابل مناظره هدفی جز انکار و رد موضوع ندارد و در برخی مواضع با وجود ادله معتبر و اقناعی، از پذیرش حق و حقیقت اجتناب می‌کند که این مطلب به معنای ضعف ادله معصومان (علیهم السلام) نیست، بلکه لجاجت و تعصب و خودمحوری و عدم پذیرش حقیقت از طرف مقابل را نشان می‌دهد. آنچه در این باره باید گفت این است که در همه مناظرات امام (علیه السلام) به ادله معتبر و کاملاً یقینی اشاره می‌کند که هیچ ضعفی در این ادله مشاهده نمی‌شود. از سوی دیگر، در بیشتر موارد نیز طرف مقابل مناظره از این ادله اقناع می‌شدند. به عنوان نمونه، در مناظره با جاثلیق به منابع قطعی مسیحیان در انجیل استناد می‌کند، به گونه‌ای که جاثلیق آن مطالب را بدون انکار می‌پذیرد و می‌گوید: «لَا أَنْكَرُ مَا قَدْ بَانَ لِي فِي الْإِنْجِيلِ وَإِنِّي لَمُقَرَّرٌ بِهِ» (مطلبی را که از انجیل برایم روشن شود انکار نمی‌کنم و به آن اقرار و اذعان دارم) (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ق، ج ۱: ۱۵۸).

در مناظره با رأس الجالوت، علاوه بر استناد به منابع قطعی در کتاب مقدس، با استدلال‌های عقلی متقن وی را اقناع می‌کند (همان: ۱۶۶). در مناظره با اندیشمندان اسلامی، با استناد به قرآن کریم و ادله نقلی و عقلی معتبر، شبهات آنان را پاسخ می‌گوید. در مناظره با افراد زندیق، با استناد به ادله عقلی، طرف مقابل را به پذیرش سخن حق وا می‌دارد. (همان: ۱۳۲). شخصی از امام درباره حدوث آفرینش سؤال می‌کند. امام (علیه السلام) با یک استدلال عقلی وی را اقناع می‌کند و می‌فرماید: «أَنْتَ لَمْ تُكُنْ ثُمَّ كُنْتَ وَقَدْ عَلِمْتَ أَنَّكَ لَمْ تُكُونَ نَفْسَكَ وَلَا كَوْنَكَ مَنْ هُوَ مِثْلُكَ» (تو نبودی و به وجود آمدی

و قطعاً می‌دانی که خودت را به وجود نیاوردی و کسی همانند خودت نیز تو را به وجود نیاورد) (همان: ۲۹۳).

با بررسی مناظرات ائمه (علیهم‌السلام) به خصوص امام رضا (علیه‌السلام)، این نکته مشهود است که طرف مقابل مناظره، با دلیل‌های امام قانع شده و سخن حق را با رضایت خاطر می‌پذیرد. این مهم، رهاوردی است در مناظرات و گفتگوها در عصر کنونی که در هر زمینه‌ای، دینی و غیردینی، طرف‌های مناظره کننده به ادله متقن و قطعی و مورد قبول طرف مناظره استناد و استدلال کرده و از ظن و گمان و مطالب نامعتبر اجتناب کنند.

۵-۲-۲. بُعد اخلاقی

مناظرات رضوی نمونه‌ای از گفتمان اخلاق محور است که نه تنها مبتنی بر اخلاق بلکه بر پایه فرهنگ‌سازی گفتگوی اخلاق محور در جامعه است. در تمامی مناظرات امام رضا (علیه‌السلام)، شاخصه‌های اخلاق اسلامی در یک گفتگوی مطلوب مشاهده می‌شود. احترام به عقاید دیگران، احترام به شخصیت، پرهیز از ستیزه جویی، جدال احسن، خوش اخلاقی و خوش برخوردی با طرف مناظره، دلسوزی و محبت، از جمله شاخصه‌های اخلاقی در مناظرات رضوی است. به عنوان نمونه، وقتی امام رضا (علیه‌السلام) خطاب به جاثلیق فرمودند که «حضرت عیسی (علیه‌السلام) نماز کم می‌خواندند و روزه کم می‌گرفتند» جاثلیق این سخنان را این گونه پاسخ می‌دهد: «أَفْسَدْتُ وَ اللَّهُ عَلِمَكَ وَ ضَعُفَتْ أَمْرَكَ وَ مَا كُنْتُ ظَنَنْتُ إِلَّا أَنَّكَ أَعْلَمُ أَهْلَ الْإِسْلَامِ!» (به خدا قسم، علم خود را فاسد و امرت را تضعیف کردی! گمان می‌کردم که تو عالم‌ترین اهل اسلام هستی!) (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۱۵۹). اما امام در مقابل این بی‌احترامی، کاملاً اخلاق مدارانه می‌فرماید: «وَ كَيْفَ ذَاكَ؟» (مگر چه شده؟) (همان). در اینجا امام (علیه‌السلام) به جای موضع گرفتن و پاسخ دادن به طرف مقابل، با استدلال دیگر، جاثلیق را اقناع می‌کند. در تمامی مناظرات امام (علیه‌السلام)، رویکرد اخلاق مدارانه کاملاً حکم فرماست. این همان اصلی است که پیامبر ﷺ آن را هدف رسالت خود بیان کرده و فرموده است: «أَنْتِي بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (ابن بابویه، ۱۳۷۷ ق، ج ۱: ۱۳). با این حال، در برخی مناظره‌ها و گفتگوها در عصر کنونی در جامعه

اسلامی، شاهد رعایت نکردن اخلاق دینی و بی‌احترامی طرفین مناظره هستیم که مبین با مناظره مطلوب اسلامی است و پیامدهای نامطلوبی در سطوح مختلف جامعه - به‌ویژه در مناظره‌هایی که بُعد دینی و مذهبی دارد - بر جای می‌گذارد زیرا دینمداری بیشتر بر پایه کردار است تا گفتار و در گزاره‌های اسلامی نیز بر حیطة کرداری بیش از حیطة گفتاری تأکید شده است؛ چنان که می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاةَ بِأَلْسِنَتِكُمْ» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۱۹۸). تأثیر تخریبی یک بی‌اخلاقی در یک مناظره دینی و مذهبی بسیار بیشتر از مناظرات دیگر است. بنابراین، الگوگیری از مناظرات رضوی و تاسی به آنها و رعایت اصول اخلاقی در گفتگوها و مناظره‌ها، در عصر حاضر مفید و تأثیرگذار خواهد بود.

۳-۵ رهاورد سیاسی: تبیین جایگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) و استحقاق آنان برای خلافت

یکی از مباحث نشأت گرفته از قرآن و سنت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، ولایت و خلافت اهل بیت (علیهم‌السلام) است. در آیات مختلف قرآن (مائده/۳؛ مائده/۵۵؛ مائده/۶۷) و نیز روایات معتبر از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این مسئله به وضوح بیان شده است (ر.ک: حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳: ۱۲۴؛ ذهبی، بی‌تا، ج ۳: ۱۲۴؛ هیثمی، بی‌تا: ۱۲۲؛ ابن‌مردویه، ۱۴۲۲ق: ۱۱۷؛ حموی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۱۷۷؛ مزی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳: ۲۴۰؛ هیثمی، ۱۴۰۸ق، ج ۹: ۱۱۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱: ۶۱۲؛ ابن‌عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۴۲: ۱۹۱؛ ترمذی، ۱۴۰۳ق، ج ۵: ۲۹۷؛ نسایی، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۱۳۳؛ ابی‌یعلی، بی‌تا، ج ۱: ۲۹۳؛ حاکم نیشابوری، بی‌تا، ج ۳: ۱۱۱؛ ابن‌حنبل، بی‌تا، ج ۴: ۴۳۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱: ۶۰۸).

ائمہ (علیهم‌السلام) در هر عصری با توجه به مقتضیات عصری، مصری و مخاطبی خود، به تبیین این امر برای مردم می‌پرداختند. برای مثال، پس از آنکه در سقیفه، حق امام علی (علیه‌السلام) را غصب کردند، ایشان در مواضع گوناگون و با تعبیرهای متعدد و متنوع، استحقاق ولایت و خلافت خود و اهل بیت (علیهم‌السلام) را آشکارا بیان کردند، چنان که فرموده است: «أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ تَقَمَّصَهَا فُلَانٌ [إِنَّ أَبَى قُحَافَةٍ] وَإِنَّهُ لَيَعْلَمُ أَنَّ مَحَلِّي مِنْهَا مَحَلُّ الْقُطْبِ مِنَ الرَّحَى»

(ر.ک: شریف‌الرضی، ۱۴۱۴ق: ۴۸ و ۲۴۶). یا زمانی که هارون تصمیم می‌گیرد فدک را به اهل بیت (علیهم‌السلام) بازگرداند، امام موسی کاظم (علیه‌السلام) فدک را کلّ اقلیم اسلامی عنوان و مرزهای آن را این‌گونه توصیف می‌کند: «... مرز اولش تا عدن است... مرز دومش سمرقند است... مرز سومش آفریقا است... مرز چهارمش تا خزر و ارمنستان است» (امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۶: ۱۲۳) که مراد امام (علیه‌السلام)، استرداد حکومت و رهبری اسلامی به ایشان، و عدم استحقاق هارون برای این رهبری است. در بیانات ائمه (علیهم‌السلام) دیگر نیز چنین گزاره‌هایی وجود دارد و تا جایی که شرایط اقتضا می‌کرد، این مطلب را تلویحاً یا تصریحاً، و در خلوت و جلوت برای مردم بیان می‌کردند.

در زمان امام رضا (علیه‌السلام) فرصتی فراهم شد تا امام این حقیقت را به طرق مختلف برای مردم بیان کند و موجبات روشن‌گری دینی و سیاسی را فراهم کند. از رهاوردهای مناظرات امام رضا (علیه‌السلام) در بُعد سیاسی، تبیین جایگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) به عنوان جانشینان برحق پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم‌وعلیهم‌السلام) است. امام (علیه‌السلام) بدون اینکه وحدت اسلامی خدشه‌دار شود، این مطلب را در مواضع گوناگون برای مردم بیان کردند. نمونه بارز این امر، حدیث «سلسلة الذهب» است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۳۵). بر اساس این حدیث، اعتقاد به توحید سبب نجات از آتش جهنم است، ولی امام رضا (علیه‌السلام) خود را شرط این نجات معرفی کرده است که منظور امام (علیه‌السلام)، وجوب اعتقاد به امامت است (ابن بابویه، ۱۳۸۹ق: ۲۵). امام، مقتدا و پیشوایی است که مردم به او اقتدا و در گفتار و کردار از او پیروی کنند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۰۹)، که هم ولایت باطنی را دربرمی‌گیرد و هم رهبری ظاهری را (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۴۱).

امام رضا (علیه‌السلام) در مناظره با رأس الجالوت و جاثلیق، با استناد به کتاب مقدس، حقانیت پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم‌وعلیهم‌السلام) و اهل بیت (علیهم‌السلام) را اثبات می‌کند. زمانی که نام پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم‌وعلیهم‌السلام)، امام علی (علیه‌السلام)، حضرت فاطمه (س)، امام حسین (علیه‌السلام) و امام حسن (علیه‌السلام) را از تورات قرائت می‌کند، رأس الجالوت خطاب به ایشان (علیهم‌السلام) می‌گوید: «این احمد، دختر احمد، ایلیا، شبر و شبیر که در تورات هست، تفسیرش به زبان عربی: محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم‌السلام) هستند.» (مجلسی، ۱۳۶۲ش، ج ۴۹: ۷۷). این اثبات حقانیت اهل بیت (علیهم‌السلام) توسط امام در

آن مناظره با گستره وسیع، تنها برای افراد غیرمسلمان نبود بلکه برای تبیین و روشنگری و اتمام حجت برای مسلمانان نیز بود. در مناظره با محمدبن جهم که با استناد به برخی از آیات، عصمت انبیا را مورد مناقشه قرار داده بود، خطاب به وی فرمود: «وای بر تو، گناهان زشت را به پیامبران الهی نسبت مده و کتاب خدا را به رأی خود تفسیر مکن، که خداوند فرمود: «تأویل آن را جز خدا و راسخان در علم نمی دانند. اکنون پاسخ سؤالات خود را بشنو.» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۹۰). امام در این فراز به نکات مهمی اشاره کردند: نخست آنکه تأویل و تفسیر قرآن در معنای مطلق آن اختصاص به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و جانشین ایشان دارد که همان راسخان در علم هستند. به عبارت دیگر، کسی استحقاق ولایت و خلافت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دارد که جزء راسخان علم بوده و همانند پیامبر صلی الله علیه و آله عالم به تفسیر و تأویل قرآن باشد. دوم، امام در ادامه خطاب به محمدبن جهم می فرماید: «پاسخ سوالات را بشنو.» (همان) به این معنا که من نیز جز راسخان در علم هستم که علم تأویل و تفسیر قرآن را به اذن خداوند می دانم. این مطلب، اثبات ولایت و خلافت ایشان است. امام علیه السلام در مناظرات خود علاوه بر اثبات استحقاق خود بر خلافت و ولایت جامعه اسلامی، چهره منفور دنیا طلب حکومت عباسی را نیز نمایان می کند.

در مناظره با اهل بصره، خطاب به آنان فرمودند:

«بدانید که امام بعد از محمد صلی الله علیه و آله تنها کسی است که برنامه های او را تداوم بخشد و مقام امامت تنها برای کسی زینده است که با تمام امت ها و پیروان مذاهب مختلف، با کتاب خود آنان گفتگو کند؛ با تقوا و از هر عیب و نقضی پاک باشد؛ عدالت پیشه، با انصاف، حکیم، مهربان، باگذشت، پر محبت، راستگو، مشفق، نیکوکار، امین، درستکار و مدبر باشد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۹۴).

در مناظره با سمرقندی، با استناد به ادله نقلی و عقلی، جایگاه مقام امامت و کسانی را که استحقاق آن را دارند، تبیین می کند، به گونه ای که پس از این مناظره، مأمون زبان به اعتراف می گشاید و می گوید: «ای ابوالحسن، در روی زمین کسی مثل تو نیست که این گونه زیبا سخن بگوید.» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۳۲) زمانی که مأمون از امام علیه السلام

درخواست کرد تا اسلام خالص را برای وی بیان کند، امام رضا (علیه السلام) به صراحت، به امامت و خلافت ائمه (علیهم السلام) پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) اشاره می کند و خود را نیز در میان امامان برمی شمرد و لازمه اسلام خالص را قبول امامت ائمه (علیهم السلام) بیان می کند (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲: ۱۲۱).

در عصر حاضر، شبهات فراوانی درباره اهل بیت (علیهم السلام) و ولایت و خلافت ائمه (علیهم السلام) توسط دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) مطرح می شود. شبکه های ماهواره ای، از فرقه وهابیت تا شبکه های ضالّه دیگر، سعی دارند تا مقام اهل بیت (علیهم السلام) را تخریب کنند. مناظرات عصر حاضر در این باره باید به گونه ای باشد که علاوه بر رعایت اصول مناظره و حفظ وحدت و یکپارچگی میان مسلمانان، با ادله معتبر نقلی و عقلی - که در آثار اهل بیت (علیهم السلام) فراوان وجود دارد - ضمن تبیین جایگاه و مقام اهل بیت (علیهم السلام) و ولایت آنان، موجبات گرایش به مذهب تشیع را فراهم کند. از سوی دیگر، ترویج و تبلیغ مناظرات رضوی خود عامل مهمی در تبیین مقام امامت و ولایت ایشان است. در این مناظرات به طور صریح و قطعی، مقام علمی و معنوی امام (علیه السلام) مشخص می شود اینکه امام به اذن خداوند به همه کتاب های آسمانی آگاه بودند و به هر سؤالی که از ایشان می شد، پاسخ قطعی و یقینی می دادند. بدون شک این مهم تنها از جانبشنان بر حق پیامبر (صلی الله علیه و آله) برمی آید. تبیین رویکرد علمی ائمه (علیهم السلام) که در آثار روایی به طور قابل توجهی وجود دارد، به خوبی جایگاه و مقام هدایتی و ولایتی آنان را تبیین می کند.

۶. نتیجه

مهم ترین رهیافت های پژوهش حاضر را می توان چنین برشمرد:

۱. مناظرات امام رضا (علیه السلام) با فرق مختلف، مجموعه ای از معارف دینی است که در ابعاد مختلف قابل تأمل و بررسی است. این مناظرات در ابعاد مختلف دینی، اجتماعی و سیاسی تأثیرهای قابل توجهی، نه تنها در جامعه آن روز بلکه پس از امام (علیه السلام) در زمان های مختلف داشته اند. توجه به اهداف و نیت امام (علیه السلام) از انجام مناظره می تواند راهبردی باشد برای

معرفت‌شناسی مناظرات رضوی از یک‌سو و تبیین کیفیت و چگونگی مناظره مطلوب از سوی دیگر. اهداف غایی امام (علیه السلام) از مناظرات را می‌توان به سه حیطه دینی، اجتماعی و سیاسی تقسیم کرد.

۲. رهاوردهای غائی مناظرات رضوی در بُعد دینی، مهم‌ترین رهاورد مناظرات بوده است. رویکرد هدایتی امام (علیه السلام) در این مناظرات کاملاً مشهود است. امام رضا (علیه السلام) با استناد به ادله معتبر و قابل قبول، سعی دارد طرف مقابل مناظره و دیگر افرادی را که به هدایت نیاز دارند، ارشاد و راهنمایی کند و آنان را به صراط مستقیم رهنمون سازد. هدایت عمران صابی و شیعه‌شدن او نمونه‌ای مشهود از این رهاورد است. تبیین و تبلیغ معارف دین یکی دیگر از اهداف امام (علیه السلام) در این باره است. امام از فرصت مناظرات به خوبی استفاده می‌کند تا معارف دین را برای تمام مردم تبیین کند. تبیین توحید، نبوت، امامت، عصمت انبیا (علیهم السلام) و صفات الهی از جمله این مباحث است. رویکرد دیگر امام (علیه السلام) در این مناظرات، شبهه‌زدایی و تشریح صحیح معارف دین در جامعه آن روز است. ردّ شبهه الوهیت حضرت عیسی (علیه السلام) در مناظره با جاثلیق و پاسخ به شبهات عصمت انبیا (علیهم السلام) در مناظره با محمد بن جهم، از نمونه‌های این رویکرد است.

۳. در بُعد اجتماعی می‌توان دو رهاورد را در این عرصه قلمداد نمود. امام (علیه السلام) با سیره علمی و عملی خود در این مناظرات، چیدمان مناظره مطلوب و نتیجه‌بخش را برای مردم بیان می‌کند. به عبارت دیگر، امام (علیه السلام) در این مناظرات به فرهنگ‌سازی گفتمان شایسته با یکدیگر حتی با گروه‌های مخالف و غیرمسلمان می‌پردازد. تأکید بر مشترکات ادیان و مذاهب و استفاده از ادله معتبر و مورد قبول و احترام به عقاید دیگران، از مواردی است که امام (علیه السلام) برای حفظ انسجام و وحدت در جامعه آن روز، بهره می‌برد. مناظرات امام رضا (علیه السلام) نمونه‌ای نام از تقویت وحدت و یکپارچگی در جامعه است.

۴. یکی از رهاوردهای مهم سیاسی مناظرات رضوی، تبیین جایگاه و مقام اهل بیت (علیهم السلام) و استحقاق آنها برای خلافت و ولایت امت بوده است. امام رضا (علیه السلام) به طور مستقیم و غیرمستقیم به تبیین جایگاه اهل بیت (علیهم السلام) می‌پردازد و این شأن فراموش‌شده مورد

سفارش پیامبر ﷺ را به مردم هشدار می‌دهد. در مناظره با جاثلیق و رأس الجالوت، با استناد به کتاب مقدس، به نام پنج تن آل عبا (علیهم‌السلام) اشاره می‌کند. در مناظره با سمرقندی، با استدلال‌های عقلی و نقلی به استحقاق خلافت امام علی (علیه‌السلام) و غصب خلافت از ایشان اشاره می‌کند. امام در مواضع گوناگون، خود را جانشین پیامبر ﷺ معرفی می‌کند که این بیان به‌طور ضمنی و هوشمندانه، هویدا نمودن چهرهٔ مأمون و خلافت عباسی بوده است.

۵. توجه به این رهاوردها در عصر حاضر حایز اهمیت است. این رهاوردها نقشه‌ای جامع از گفتمان شایسته و مطلوب در جهان امروز است. گفتمان ادیان و مذاهب از یک‌سو و گفتمان‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی از سوی دیگر می‌تواند به نتیجه‌بخش شدن این گفتمان‌ها و تأثیرهای مثبت آن در جهان امروز کمک کند. در بُعد دینی نیز با الگوگیری از مناظرات رضوی و به‌کارگیری صحیح آن در جامعهٔ امروز، ضمن حفظ انسجام وحدت اسلامی، می‌توان به تبیین و تشریح معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) و پاسخگویی به شبهات نوظهور پرداخت. بنابراین، توجه به رهاوردهای مناظرات رضوی و کاریست صحیح آن در عصر حاضر، مهم و قابل توجه بوده و شایسته است در گفتمان‌ها و مناظره‌های معاصر به‌عنوان نقش و الگوی راه، مورد توجه قرار گیرند.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۷ق). *الا مالمی*. قم: مؤسسه البعثه.
- (۱۳۷۶). *الا مالمی*. مترجم: محمد باقر کمره‌ای. تهران: کتابچی.
- (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا*. محقق: مهدی لاجوردی. تهران: جهان.
- (۱۳۷۷). *الخصال*. مترجم: محمد باقر کمره‌ای. تهران: کتابچی.
- (۱۳۹۸ق). *التوحید*. محقق: هاشم حسینی. قم: جامعه مدرسین.
- ابن حنبل، احمد. (بی تا). مسند. بیروت: دار صادر.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله. (۱۴۰۴ق). *تعلیقات*. بیروت: مکتبه الاعلام الاسلامی.
- ابن طاووس، علی بن موسی. (۱۴۱۱ق). *مهیج الدعوات و منهج العبادات*. قم: دار الذخائر.
- ابی یعلی، محمد بن محمد. (بی تا). مسند. بیروت: دار المأمون لثراث.
- امین عاملی، سید محسن. (۱۳۷۶). *سیره معصومان*. مترجم: علی حجتی کرمانی. تهران: سروش.
- بختیاری، حسن و فرخی، حسن. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه برنامه های شبکه های ماهواره ای تلوزیونی و هویت دینی جوانان».
- فصلنامه پژوهش در تعلیم و تربیت اسلامی. سال بیستم. ش ۱۵. صص ۵۵-۷۲.
- برقی، احمد بن محمد. (۱۴۱۶ق). *المحاسن*. تحقیق: سید مهدی رجائی. قم: الجمع العالمی لاهل البيت (علیهم السلام).
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۴۰۳ق). سنن. بیروت: دار الفکر.
- جمعی از نویسندگان. (بی تا). *بہائیت، پیوند با استکبار*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه (ناشر دیجیتال). نشریه ایلام (ناشر چاپی).
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله. (بی تا). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه.
- خزعلی، انیسہ و انصاری نیا، زری. (۱۳۹۶). «تحلیل گفتمان ادیان در مناظره امام رضا (علیه السلام) با علمای دین مسیح و یهود». فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۱۹. صص ۷۳-۱۰۴.
- دехدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). *لغت نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- دهنان سرخ آبادی، محدثه و کرامتی، انیسہ. (۱۳۹۶). «روش های آموزشی در سیره رضوی و دلالت های آن برای تربیت عقلانی در دانشگاه فرهنگیان». فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۱۷. صص ۳۵-۵۸.
- ذہبی، محمد (بی تا). *تلخیص المستدرک*. بیروت: دار المعرفه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن*. دمشق: بیروت: دار العلم الدار الشامیه.
- رضازاده کهنکی، فریبا و فارسی نژاد، علیرضا. (۱۳۹۴). «اصول علمی و اخلاقی مناظره های رضوی». فصلنامه فرهنگ رضوی، ش ۹. صص ۳۷-۵۸.
- روحی برندق، کاووس. (۱۳۹۶). «اخلاق و مهارت های مناظره در مناظره های امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۱۸. صص ۷-۳۵.
- شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۴ق). *نهج البلاغه*. محقق: صبحی صالح. قم: هجرت.

- شمس، جواد و جوارشکیان، عباس. (۱۳۹۵). «تصویر آفرینش در مناظرهٔ عمران صابی با امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۱۳. صص ۷-۳۰.
- صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم. (۱۳۸۳). شرح اصول کافی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- غفاری، محمدهادی و باغبانزاده، محمدرضا. (۱۳۹۶). «شاخصه‌های اخلاقی در مناظرات رضوی». پژوهش‌نامه اخلاق. ش ۳۵. صص ۱۰۳-۱۲۲.
- فرامرزی، جواد و خلیلی، میثم. (۱۳۹۶). «روش‌شناسی استدلال‌های امام رضا (علیه السلام) به آیات ولایت در مناظره با علمای مرو». فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۲۰. صص ۱۶۹-۱۸۸.
- قاضی ابرقوه، رفیع‌الدین. (۱۳۷۷ق). سیرت رسول‌الله. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کولمن، جان. (۱۳۷۵). کمیته ۳۰۰ کانون توطئه‌های جهانی. مترجم: یحیی شمس. تهران: فاخته.
- متقی هندی، علاء‌الدین. (۱۴۰۹ق). کنز العمال. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲). بحار الانوار. تهران: اسلامیه.
- مجیدی، حسن. (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا (علیه السلام). فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۲. صص ۹-۳۹.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۷). تنهاجم فرهنگی. تحقیق و نگارش: عبدالجواد ابراهیمی. چاپ هشتم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصلائی‌پور، عباس و سلیمی، مریم. (۱۳۹۲). «اصول مناظره و آزاداندیشی با تکیه بر مناظره‌های امام رضا (علیه السلام)». فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۳. صص ۷۸-۱۱۴.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۸). مناظرات تاریخی امام رضا (علیه السلام) با پیروان مذاهب و مکاتب دیگر. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- میراحمدی، منصور و رضائی‌پناه، امیر. (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان مناظره‌ها و مجادله‌های حضرت رضا (علیه السلام) با دیگرهای گفتمانی». فصلنامه فرهنگ رضوی. ش ۱۴. صص ۷۵-۹۶.
- نسایی، احمدبن شعیب. (۱۴۱۱ق). سنن. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- هیشمی، نورالدین. (۱۴۰۸ق). مجمع الزوائد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- هیشمی، ابن حجر (بی‌تا). الصواعق المحرقة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه. قاهره: مکتبه القاهره.